

جایی برای سوخت و ساز فرهنگی

نگاهی اجمالی به بزرگداشت‌هایی که برگزار نمی‌شود؛
به بهانه «یک هفته با نادر ابراهیمی»

سعید کیائی

بیگانگی فضای دانشکده‌های ادبیات ایران با ادبیات معاصر، غیر قابل انکار است. کورمراهایی را هم که از حضور ادیبان معاصر در فضای دانشگاهی می‌بینیم، به همت دانشجویانی باز شده است که علاقه خود را پیش از ورود به دانشگاه ادبیات معاصر، در حوزه‌های مختلف شعر، داستان و یا ادبیات کودک و نوجوان نشان داده‌اند.

اگرچه برگزاری همایش‌های مختلف ادبی، با محوریت آثار یکی از نویسندگان معاصر، در دانشگاه‌ها سابقه‌ای طولانی دارد چند سالی است نگاه دانشجویان به برپایی چنین برنامه‌هایی عمیق‌تر شده و جالب این‌که اثر بخشی برنامه‌ها که مخاطبان غیر دانشگاهی و محققان و منتقدان دانشگاهی را کنار هم قرار می‌دهد، نوع دیگری از مخاطب‌پروری را در پی داشته است. با این حال، بارها شاهد آن بوده‌ایم که بسیاری از این طرح‌ها و برنامه‌ها، به دلایل مختلف که بیشتر رویکرد مالی داشته‌اند، به ثمر ننشسته‌اند. از میان آن‌ها می‌توان به برنامه «یک هفته با نادر ابراهیمی» اشاره کرد که از سوی دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، قرار بر برگزاری آن در مهر ماه گذشته بود، اما به نقل از خبرگزاری



دانشجویان ایران (ایسنا)، به دلیل وجود مشکلات مالی، فعلاً به زمان دیگری موکول شده است.

به بهانه برگزار نشدن همایش یک هفته‌ای درباره نادر ابراهیمی در دانشگاه تهران، به سراغ مسئولین برگزاری این همایش و اهالی فرهنگ رفتیم تا دیدگاه آن‌ها را راجع به برگزار شدن یا نشدن چنین مراسم‌هایی بدانیم.

وقایع اتفاقیه، در روند برگزار نشدن

خبر برگزاری مراسم یک هفته با نادر ابراهیمی، تابستان گذشته منتشر شد. بررسی آثار یک نویسنده در یک هفته، آن هم در دانشگاه تهران، می‌توانست خبر خوبی برای اهالی فرهنگ باشد تا به بهانه نویسنده، کارگردان و پژوهشگر پرکاری چون نادر ابراهیمی، دور هم جمع شوند و به بحث و گفت‌وگو بنشینند. اخبار مربوط به این مراسم، با اعلام برگزاری مسابقات علمی - هنری بیشتر شد و بسیاری از دوستداران این نویسنده فقید، بر آن شدند تا از باقی برنامه‌های این مراسم با خبر شوند. برگزاری نمایشگاه‌های خط و آثار دیگر نادر ابراهیمی نیز از برنامه‌هایی بود که به مرور اعلام شد، تا آن‌که دو روز مانده به مراسم، سجاد مافی‌مدنی، مدیر برگزاری مراسم، طی ارسال خبری به خبرگزاری فارس و ایسنا، از موکول شدن برنامه به زمان دیگری خبر داد، در حالی که از دلیل برگزار نشدن آن،

فقط در یک جمله «مشکلات مالی» حرفی به میان آمد.

سجاد مافی مدنی، دبیر این مراسم، درباره انگیزه‌هایی که عاقبت به تصمیم برگزاری این مراسم منجر شد، گفت: «ما مخاطب آثار استاد ابراهیمی بودیم، اما از زنده بودن یا نبودن ایشان اطلاعی نداشتیم. با پیگیری‌هایی که انجام دادیم از انتشارات روزبهان، ناشر آثارشان، متوجه شدیم که بیماران، ولی در قید حیات هستند. سال‌های اول حضورمان در دانشگاه بود و فضا را برای برگزاری مراسم‌هایی این‌چنینی خوب می‌دیدیم. مسئله را با بعضی دانشجویان دیگر در میان گذاشتیم و کم‌کم طرح برگزاری مراسمی یک روزه چیده شد.»

او درباره سوابق مجموعه دانشجویی‌شان گفت: «ما برنامه‌هایی برای بزرگان سینما برگزار کرده بودیم، اما در حوزه ادبیات کار نکرده بودیم. بازخوردها برای آن برنامه‌ها خوب بود. می‌خواستیم اولین تجربه‌مان در حوزه ادبیات را با نادر ابراهیمی که وجهه‌های مختلفی دارد، تجربه کنیم.»

مافی مدنی، تاریخ رسمی برگزاری این مراسم را از اسفندماه اعلام کرد و گفت: «قرار گذاشتیم برنامه را در روز تولد استاد در فروردین برگزار کنیم، اما به دلیل هماهنگی‌هایی که باید انجام می‌شد و تعطیلات نوروزی، تصمیم گرفتیم که اجرای آن را به اردیبهشت ماه منتقل کنیم. هرچه جلوتر رفتیم و با زندگی آقای ابراهیمی بیشتر آشنا شدیم، متوجه این شدیم که برنامه بیشتر از یک روز زمان می‌برد. ما با توجه به همکاری نویسندگان و اطرافیان استاد، به این نتیجه رسیدیم که بستر برگزاری مراسمی بهتر را در چند روز فراهم کنیم. برنامه را برای سه روز نوشتیم. دانشگاه پیشنهاد یک هفته داد. ما هم با توجه به توانایی خودمان و حضور مخاطبان و اهالی فرهنگ، قبول کردیم.»

او در مورد دلیل پیشنهاد یک هفته شدن برنامه از سوی معاونت دانشجویی دانشگاه، می‌گوید: «معاونت دانشجویی دانشگاه، خود را با ما موافق نشان داد و ما برای برگزاری مراسم در زمان مناسب‌تر، مهرماه را پیش‌بینی کردیم. چون روز جهانی کودک و نوجوان را در پیش داشتیم و با توجه به کارهای آقای ابراهیمی در این حوزه، دیدیم می‌توانیم محوریت بسیاری از کارهای مان را فعالیت‌های ایشان در حوزه کودک و نوجوان قرار بدهیم و پیش برویم.»

مافی مدنی اولین مشکلات به وجود آمده خود را از همین‌جا می‌داند: «ما برای برگزاری بسیاری از بزرگداشت‌ها اسپانسر می‌گرفتیم. برای این مراسم هم همین تصمیم را داشتیم. با توجه به روابطی که داشتیم، سراغ یکی دو بیمه رفتیم که به ما گفتند به دلیل مشکلات مالی برای کارهای فرهنگی بودجه ندارند، در حالی که پیش از این به مراسم‌های دیگر کمک کرده بودند. به چند شرکت و موسسه غیر فرهنگی مراجعه کردیم که هنوز به آن‌ها امید داریم. دانشگاه هم ما را به سمت یکی از سازمان‌های فرهنگی سوق داد، اما آن‌جا هم بعد از یک ماه دوندگی، کار به مراحل اداری افتاده است.»

نظرات دست‌اندرکاران:

شکور لطفی، نویسنده، پژوهشگر و منتقد ادبیات کودک و نوجوان و از همکاران قدیمی نادر ابراهیمی، در خصوص برگزاری چنین مراسمی گفت: «از اواخر دهه ۴۰ که برگزاری چنین بزرگداشت‌هایی باب شد، برپایی چنین مراسمی در دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گرفت و دانشجویها هم همیشه پیش قدم بودند، اما در این روند همراهی مسئولین دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی شرط اول بوده و با موافقت آن‌ها طبیعی است که کار دانشجویها راحت‌تر برگزار می‌شد.»

اما از سوی دیگر، وابستگی دانشجویها به حامیان مالی و مانع بزرگی برای آن‌هاست. این روند کم‌کم باعث تردید در برگزاری این مراسم‌ها توسط دانشجویها خواهد شد و بعد از مدتی آن‌ها هم رغبتی برای برگزاری پیدا نمی‌کنند و این یعنی از بین بردن شور و شوق قشر دانشجو.»

لطفی معتقد است، برگزاری چنین مراسمی، جایش باید در دانشگاه‌ها باشد. او می‌گوید: «خسین برگزاری چنین مراسمی این است که دانشجویی باشد و اساتید از سوی آن‌ها حرکت داده شوند.»

او همچنین درباره برگزاری مراسم درباره همکار و دوست قدیمی‌اش می‌گوید: «چند جنبه‌ای بودن کار نادر ابراهیمی می‌توانست این بزرگداشت را به امکانی تبدیل کند برای شناخت راه‌هایی که رفته بود.»

مسعود یارعلی، دانشجوی دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه فردوسی مشهد، درباره برنامه یک هفته‌ای برگزار نشده، می‌گوید: «متأسفیم که برگزار نشد. مشکلات بچه‌های تهران را می‌دانیم و کاملاً درک می‌کنیم که چرا چنین بزرگداشت‌هایی برگزار نمی‌شود. برنامه‌های دانشجویی با توجه به این که در دانشگاه برگزار می‌شوند، نظر بسیاری از اهالی فرهنگ داخل و بیرون دانشگاه را جلب می‌کنند و محلی می‌شوند برای حضور بهتر آن‌ها، اما حمایت نشدن از آن‌ها، تبعات بیشتری خواهد داشت.»

شجاعی صائین:

خوب است که

چنین برنامه‌هایی

ابتدا در

دانشگاه‌ها

برگزار شود و

تفکرات مورد

نقد و محک

قرار بگیرد و

سپس از طریق

قشرهای دانشگاهی،

به لایه‌های

متفاوت جامعه

سرایت داده

شود



خوب، بد، زشت تعامل با بخش خصوصی

علی اصغر سعادت، عضو شورای سینمای معناگرایی بنیاد فارابی و از شاگردان و دوستان نادر ابراهیمی نیز گفت: «من متهم ردیف اول دعوت از ابراهیمی برای تدریس در حوزه علمیه بودم. استخاره‌ای با قرآن گرفتم که در آن آمده بود: بگو خدا باید نظر دهد و آن‌ها که اهل مطالعه و تحقیق‌اند و همین مسئله گواه مسلمانی این مرد بزرگ بود.»

زمانی که در دهه ۵۰، روشنفکر ما یا مارکسیست بود یا اگزیستانسیالیست، ابراهیمی داستان‌های کتاب «آرش در قلمرو تردید» خود را اغلب با آیات قرآن، حدیث یا تضمین به آثار عرفانی شروع می‌کرد و مسلمانی تمام‌عیار بود. سال ۶۱ در حوزه هنری قم بعد از فراخوان، طلبه‌ها را در هتل کوثر تهران گرد هم آوردیم و نادر ابراهیمی آن‌جا برای طلبه‌ها تدریس می‌کرد.»

سعادت درباره برگزاری این نوع مراسم در دانشگاه‌ها گفت: «هر قدر در دانشگاه و مراکز علمی، از پیشکسوتان تجلیل بشود، به نفع هنرمند و دانشجوست. علم در مقوله‌های هنر و عرفان، سینه به سینه منتقل می‌شود و هر چه از کلاس دورتر باشد، ماندگارتر خواهد بود.»

او همچنین درباره پشتیبانی مالی مراکز غیر فرهنگی گفت: «با این که هنر و فرهنگ ابزار اسپانسرها بشود، مخالفم. این که آثار فرهنگی و دینی ابزار شوند، در آینده نتایج زیان‌باری خواهد داشت. چون به مرور هنر ابزاری می‌شود برای مقاصد اقتصادی و از سمت و سوی تعهد اصلی خود فاصله می‌گیرد. این تجربه در اقتصاد غرب، با شکست مواجه شده است آن‌ها هم از همین‌جا شروع کردند و به انحطاط رسیدند.»

شهرام اقبال زاده، دبیر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، درباره این مراسم برگزار شده، می‌گوید: «آقای ابراهیمی در ادبیات و ادبیات نمایشی کودک و نوجوان از پیشکسوتان بودند. اگر توان علمی و فرهنگی دانشجویان به حدی هست که بتوانند یک هفته برنامه اجرا کنند و مقاله ارائه دهند، باعث خوشحالی است، اما اگر یک هفته با نادر ابراهیمی جنبه نمادین داشته باشد، فرق می‌کند. فعالیت‌های آقای ابراهیمی در جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است و باید ببینیم که آیا آن‌ها قرار بود به همه جوانب بپردازند یا فقط به آثار حوزه کودک و نوجوان ایشان.»

اقبال زاده با بیان این که، از مقالات علمی دانشجویان درباره نادر ابراهیمی حمایت می‌کند، گفت: «این دوستان که نتوانستند بودجه را تأمین کنند، اگر مقاله‌هایی دارند، می‌توانند برای انجمن ارسال کنند. ما مقاله‌ها را در شورا بررسی می‌کنیم و اگر تصویب شد، در مجموعه‌ای که صحبتش را کرده‌ایم، می‌آوریم. از مقاله‌های با کیفیت حمایت می‌کنیم.»

دبیر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، درباره حضور ادبیات کودک و نوجوان در دانشگاه‌ها گفت: «این رویکرد را که پیوندی بین دانشگاه و ادبیات معاصر برقرار بشود، باید به فال نیک گرفت. این تعامل، پدیده فرخنده و مؤثری است و ما استقبال می‌کنیم، چه خودمان درگیر باشیم و چه نباشیم.»

محمد میرکیانی، مدیر گروه کودک و نوجوان شبکه دوم سیما نیز با بیان این که مفاخر فرهنگی ما، سرمایه‌های ملی ما هستند، گفت: «برای ایجاد شأن و شخصیت در کودکان‌مان، اگر قرار باشد از سرمایه‌های ملی پایان‌ناپذیر حرفی به میان بیاوریم، باید از مفاخر فرهنگی اسم ببریم. بنیاد ملی نخبگان باید به چنین مسائلی توجه کند. سرمایه ما، نفت و منابع دیگر نیست؛ چرا که آن‌ها را کشورهای دیگر حتی بیشتر از ما دارند. صاحبان فکر و اندیشه، سرمایه‌های ما هستند. با برگزاری چنین بزرگداشت‌هایی - که البته این‌بار برگزار نشد - باید شأن و جایگاه اهل اندیشه را قدر بدانیم.»

او درباره مشکل مالی که دلیل اصلی برگزار نشدن برنامه بود، گفت: «این باعث اندوه است. برای یک فوتبالیست درجه چندم، چند صد میلیون هزینه می‌شود، اما برای یک نویسنده، اگر بخواهند ۵۰ میلیون بدهند، نمی‌شود. به ریشه‌ها و سرچشمه‌ها توجه نمی‌شود. ما بزرگان فرهنگی مثل ابراهیمی داریم، اما یک دفعه می‌بینیم یک بازیگر درجه سوم می‌شود چهره فرهنگی! نویسنده و مترجم و منتقد، در اوج گمنامی می‌میرد و خبر مرگش را هم هیچ‌کس نمی‌شنود. با این وضعیت می‌خواهیم چه اتفاقی بیفتد؟ چراغی که راه اندیشه را روشن می‌کند، اهل اندیشه است، ولی هیچ‌کس خاموش شدنش را متوجه نمی‌شود.»

او در ادامه گفت: «پرداختن به چنین مراسمی در جایی مثل دانشگاه تهران، باعث ایجاد نشاط در مراکز فرهنگی می‌شود و از سوی دیگر، فضای دانشگاهی از فضای کسل‌کننده خارج می‌شود. برای دانشجویان هم خوب است؛ چرا که آن‌ها هم به سمتی سوق پیدا می‌کنند که از هجوم بی‌وقفه تفکراتی که زینبدهشان نیست، در امان شوند.»

محسن مومنی، رئیس آفرینش‌های ادبی حوزه هنری که به مناسبت چهل‌مین روز درگذشت نادر ابراهیمی، با همکاری مؤسسه رواق، بزرگداشتی برای نادر ابراهیمی برگزار کرده بود، گفت: «ما در حد مقدماتمان به برنامه‌های این‌چنینی کمک می‌کنیم. برگزاری

میرکیانی:

ما بزرگان فرهنگی

مثل ابراهیمی داریم،

اما یک دفعه

می‌بینیم

یک بازیگر

درجه سوم

می‌شود

چهره فرهنگی!

نویسنده و

مترجم و منتقد،

در اوج گمنامی

می‌میرد و

خبر مرگش را هم

هیچ‌کس

نمی‌شنود



چنین بزرگداشت‌هایی در فضاهای مختلف فرهنگی خوب است. بررسی آثار ابراهیمی، با توجه به وسعت فعالیت او، کار شایسته‌ای است.»

مصطفی رحماندوست، نویسنده حوزه کودک و نوجوان نیز که قرار بود یکی از سخنران‌های مراسم افتتاحیه «یک هفته با نادر ابراهیمی» باشد، گفت: «این مراسم‌ها را می‌گذاریم یا وقتی دم موت هستند می‌گیریم یا بعد از آن. اما در دنیا این طور نیست که نویسنده از دنیا برود، بعد به او رسیدگی کنند. در شرایط فعلی هیچ کس از راه نویسندگی زندگی‌اش را نمی‌چرخاند و اگر توجهات معنوی نباشد، شوقی برای ادامه کار نمی‌ماند. حسن این مراسم‌ها این است که به جوان‌ها بگوید، اگر در این راه بروید، مورد توجه قرار می‌گیرید.»

رحماندوست که از اختصاص بودجه‌ها کلان به مسائل غیر فرهنگی ناراضی بود، گفت: «یک هزارم بودجه‌ای را که برای ورزش قائلیم برای علم و فرهنگ نمی‌گذاریم. روزنامه‌های ورزشی را که ورق بزنیم، به ادبیاتی بر می‌خوریم که هیچ کدام ما و مسئولان دوست ندارند فرزندان‌شان با آن ادبیات انس بگیرند، اما باز برایش هزینه می‌کنند. وقتی هم که صحبت از بودجه فرهنگی می‌شود، دست و پاها می‌لرزد. متأسفانه، توان اداره فرهیختگان وجود ندارد.»

این نویسنده کودک و نوجوان، با بیان این که به دولتی برگزار شدن این چنین بزرگداشت‌های امیدی ندارد، گفت: «امیدی ندارم که دولتی برگزار شود، باید به طرفی برویم که مردمی انجام شود و بعد دولت وارد شود. من به کشوری دعوت شدم برای ترجمه یکی از آثارم. میزبان من نه ناشر بود و دولت، یک NGO بود که تصمیم گرفته بود مرا دعوت کند و یک شرکت شیمیایی هم پشتیبانی مالی کرده بود. آن‌جا شرکت‌هایی هستند که به جای مالیات، مبالغی را به NGOها پرداخت می‌کنند و مورد قبول قرار می‌گیرد. باید به سمتی برویم که همه این کارها مردمی بشود؛ چرا که نویسنده کسی است که کتابش را مردم می‌خرند، نه دولت.»

علی شجاعی صائین، مدیر عامل خانه کتاب، درباره تعامل مراکز فرهنگی و دانشگاهی، در برپایی نشست‌ها و همایش‌هایی با محوریت یکی از اندیشمندان، گفت: «شایسته است که وضعیت فرهنگی جامعه، به جایی برسد که این نخبگان همواره با برگزاری چنین همایش‌هایی، گفتار و رفتارشان در معرض دید و الگو گرفتن سایر اقشار ملت باشد. بر همین اساس بزرگداشت چنین افرادی، بزرگداشت ارزش‌ها و باورهاست. از سوی دیگر قشر دانشجو و اعضای هیأت علمی می‌توانند نزدیک‌ترین حلقه به نخبگان فرهنگی ما و نزدیک‌ترین افراد برای درک اندیشه‌های نخبگان باشند. طبیعی است که مناسب‌ترین جاها برای گفت‌وگو و فکر چنین نخبگانی، دانشگاه‌ها باشد. خوب است که چنین برنامه‌هایی ابتدا در دانشگاه‌ها برگزار شود و تفکرات مورد نقد و محک قرار بگیرد و سپس از طریق قشرهای دانشگاهی، به لایه‌های متفاوت جامعه سرایت داده شود. چنین اقداماتی کار مبارکی است و طبیعتاً معاونت فرهنگی وزارت علوم و سایر نهادهای مرتبط باید برای برگزاری چنین نشست‌هایی کمک کنند»



او درباره برنامه‌های مشابهی که خانه کتاب برگزار کرده است، گفت: «ما مشابه چنین نشست‌هایی را برگزار کرده‌ایم، سرای اهل قلم و مجموعه خانه کتاب، پذیرای چنین نشست‌هایی است. اگر هم تأخیری پیش می‌آید، به علت انبوه برنامه‌هاست. در این مورد خاص مراجعه‌ای به خانه کتاب نشد. در صورت مراجعه و تصویب در هیأت امنا، حمایت خواهد شد.»

شجاعی صائین، هم‌چنین درباره حضور و حمایت بخش غیر فرهنگی، در کارهای فرهنگی معتقد است: «با توجه به خصیصه اصلی انقلاب‌مان که انقلابی فرهنگی بود، حضور مراکز غیر فرهنگی در کارهای فرهنگی، بسته به تعاملی که قرار است برقرار شود، خوب و کاملاً مبارک است. با توجه به انبوه جوانان و اندیشمندان حوزه فرهنگ و با توجه به بودجه جاری و موجود، این حوزه نمی‌تواند به اهدافش برسد.»

ما نمونه‌های فراوانی داریم در طول تاریخ که حضور خود مردم را در برگزاری مراسم‌های فرهنگی نشان می‌دهد. اگر قرار بود دولت‌ها مسجد بسازند و موقوفات فرهنگی داشته باشند، هیچ وقت شاهد چنین وضعیتی نبودیم. اما باید به نکته‌ای توجه شود و آن این است که هدف فرهنگی در این تعاملات حفظ بشود. امیدوارم شاهد این نباشیم که فرهنگ بهانه‌ای برای تبلیغات اقتصادی شود.»

هنوز امید هست

دانشجویانی که برای برگزاری مراسم یک هفته با نادر ابراهیمی برنامه‌ریزی کرده بودند، اگرچه هنوز به برگزاری مراسم امید دارند، روند اداری پیش روی آن‌ها، برای دریافت بودجه از مراکز دولتی، فرهنگی یا غیر دولتی، خبر دیگری می‌دهد. این مراسم حتی اگر برگزار نشود و همه دانشجویانی که درگیر برگزاری آن بودند، فارغ التحصیل شوند، به فعالیت‌های اهالی فرهنگ خللی وارد نمی‌شود.

رحماندوست:
در شرایط فعلی
هیچ کس از
راه نویسندگی
زندگی‌اش را
نمی‌چرخاند و
اگر توجهات
معنوی نباشد،
شوقی برای ادامه
کار نمی‌ماند.
حسن این مراسم‌ها
این است که به
جوان‌ها بگوید،
اگر در این
راه بروید،
مورد توجه
قرار می‌گیرید